دو شاهد از فقه الرضا و تفسیر الامام برای نشان دادن ذهنیت شیعه در قرن سوم

شاگرد: بالاتر از این هم هست. وقتی محدثین مهم آنها قرائات مختلفی را نقل می‌کردند چرا چیزی نگفتند؟

استاد: جالب است... . برخی از مطالب را می‌خواهم بگویم یادم می‌رود. این نکات جالب است. روایت حرف واحد، «انما الاختلاف یجی من قبل الرواة» برای چه زمانی از شیعه است؟ برای امام باقر و امام صادق علیهما السلام است. یعنی حداقل برای نیمه اول قرن دوم است. دو کتاب هست که برای نیمه دوم قرن سوم هستند. البته سر آنها اختلاف هست، من حرفی در مورد اختلاف آنها ندارم. فقط دارم نقل می‌کنم. دو کتاب است که فعلاً می‌گویم برای آن زمان است. یکی فقه الرضا می‌باشد که منسوب به حضرت است. در نرم‌افزارها هست. یکی هم تفسیر الامام العسگری علیه‌السلام است. این دو کتاب هست. جالب این است که ما می‌گوییم مشهور نزد امامیه این است -درست هم می‌گوییم- که قرآن حرف واحد است. درست هم می‌گوییم. سؤال که نکردند هیچ، در این عصر قرن سوم دو کتاب آمده است. در هر دوی آنها تصریح به این است که هر دو قرائت درست است. عجب!

اتفاقا یکی از اشکالاتی که به فقه الرضا می‌گیرند همین است. در فقه الرضا آمده «وَامْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ[1]» و «وَامْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ»، در این کتاب منسوب به امام حضرت فرموده‌اند که هر دو قرائت درست است. هر دو هم دارد دو حکم را بیان می‌کند. کسانی که فقه الرضا را رد می‌کنند اتفاقا همین ایراد را به آن می‌گیرند. می‌گویند چه شد؟! حضرت می‌گویند هر دو قرائت درست است! پس برای امام نیست.

خب قبول است، برای امام نیست. اما برای کیست؟ ای برای علی بن بابویه است ای برای شلمغانی است. هر چه که هست خالصه ذهنیت آن زمان را نشان می‌دهد. آن هم بین محیط شیعه. اگر این کتاب، شرائع علی بن بابویه باشد، خب ابن بابویه سنی بوده؟! او می‌گوید هر دو قرائت هست. بعد از آن به تفسیر الامام می‌آیید. حضرت در «غُلف» و «غُلُف» فرمودند «کل القرائتین حق». نه تنها حرف واحد -که معروف بوده- سبب سؤال نشده بلکه در چنین کتابهایی مقابل آن آمده است. «کل القرائتین حق». این را چطور جمع کنیم؟

آن چه که من عرض می‌کنم این است: در ذهنیتی که در زمان صدور بود باید ببینیم اختلاف الرواة یعنی چه؟ این اختلاف الرواة چه بود؟ طبری برای ما یک چیزی گذاشته است. به طبری می‌گوییم آن شش قرائتی که می‌گویی کجا است؟ گفت نیست که من به شما نشان بدهم. صریح عبارتش

بود. گفت نیست تا من به شما نشان بدهم. یعنی طبری به شما می‌گوید که در قرن‌های جلوتر یک چیزهایی بود که الآن اثر در آثارش نیست. اختلاف یحیی من قبل الرواة مصادیقی داشت که طبری می‌گوید آن‌ها رفت و محو شد. چرا؟ قبلاً صحبتش را کردیم.

---

[1]المائدة ۶

بازبینی #2
ایجاد شده 21 آوریل 2024 13:57:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 مه 2024 15:51:05 توسط ... .